

ماجراجویی در خلیج فارس، بازی خطرناکی که به ضرر خلق های منطقه است

خطرات این سیاست برای امنیت و صلح در خلیج فارس برانگیخته است. مقامات رسمی ایران همچنین مدعی شدند که توانسته اند هواپیمایی مشابه جنگنده «استلت» که قادر است خود را از رادار مخفی کند ساخته و به پرواز در آورند. بر اساس همین ادعا این هواپیمای بی سرنشین به نام «درنا» ناو هواپیما برآمریکایی را زیر نظر دارد. خبرگزاری «سی.ان.ان» گزارش داد که ارسال ناو هواپیما بر «نیمیتز» به خلیج فارس همزمان است با تشدید برخوردهای نظامی در مرزهای ایران، عراق و ترکیه. لازم به تذکر است که در هفته های اخیر جنگنده های هوایی ایران بر فراز «منطقه ممنوعه» پروازهای نظامی در خاک عراق به پرواز درآمده و مواضع نیروهای سازمان مجاهدین خلق را بمباران کرده اند. همچنین در هفته های اخیر نیروهای نظامی ترکیه عملیات دامنه داری را علیه نیروهای کرد در شمال عراق آغاز کردند که تاکنون به کشته و زخمی شدن صدها تن منجر شده است. تبدیل منطقه خلیج فارس به یک منطقه دایماً نظامی و درگیر در کنار حضور روز افزون نیروهای امپریالیستی به سرکردگی آمریکا، خطر جدی است که می تواند باردیگر عواقب فاجعه بار و دردناکی را برای مردم منطقه به همراه داشته باشد. دو جنگ بزرگ در ده سال گذشته و کشتار صدها هزار انسان در کنار تخریب عظیم اقتصادی و محیط زیست، از جمله ثمرات عینی سیاست های ماجراجویانه ای است که هیچ کس جز

خلیج فارس باردیگر دستخوش تحولات و تنش هایی است که نمی تواند به نفع خلق های منطقه باشد. برگزاری مانور بزرگ نظامی «پیروزی ۸» که بر اساس اظهارات عباس محتاج، فرمانده نیروی دریایی ایران، در آن ده ها هزار نیروی مسلح، بیش از ۷۰ فروند ناوچه تندرو و ۱۰ فروند ناوچه موشک انداز تندرو از نیروی دریایی در منطقه ای به وسعت ۱۷ مایل مربع دریایی شرکت داشتند، در کنار مانور نظامی مشترک شورای همکاری خلیج فارس در حوالی بحرین و اعزام ناو هواپیما بر «نیمیتز» از سوی ایالات متحده آمریکا به منطقه، بار دیگر نگرانی های جدی را در منطقه پیرامون ماجراجویی های ارتجاع و امپریالیسم

نامه
مردم
از کان مرکزی غرب توده ایران

شماره ۵۱۷، دوره هشتم
سال چهاردهم، ۲۹ مهرماه ۱۳۷۶

درس های انتخابات و «خط های قرمزی» که نمی توان از آنها عبور کرد

هاشمی رفسنجانی، رییس مجمع تشخیص مصلحت، و یکی از اساسی ترین مهره های رژیم، در یک مصاحبه مطبوعاتی با روزنامه ژاپنی «ماینجی»، که در روزنامه اطلاعات چهارشنبه ۲۳ مهرماه درج شده است، مطالبی را پیرامون مهمترین حوادث سیاسی کشور در ماه های اخیر ایراد کرد که حائز اهمیت است. وی از جمله در مورد انتخابات دوم خرداد و درس های آن و خواست مردم از انتخابات ضمن اشاره به اینکه برای جواب دقیق به این سؤال باید به خود مردم مراجعه کرد، اضافه می کند:

«البته مواردی را ما متوجه می شویم و بیان می کنیم... من دو سه نکته مهم را در این انتخابات می بینم. یکی اینکه تبلیغات خارجی و ضد انقلاب القا می کردند که مردم از انقلاب دل سرد شده اند و در انتخابات شرکت نمی کنند و ضد انقلاب هم انتخابات را تحریم کرده بود... اولین پیام این بود که مردم به سرنوشت کشور خود علاقمند و شریک هستند... دومین پیام مثبت این انتخابات این بود که مردم اعلام کردند در میان جریان های مختلف به روحانیت اعتماد دارند چون آقای خاتمی هم خود روحانی سابقه داری است... ایشان یک رقیب غیر روحانی هم که حقوق دان بود داشتند. مسأله سوم این است که میان روحانیون مردم به روحانی ای رأی دادند که

احساس می کردند بیشتر فضای باز در کشور ایجاد می کند. جوانان و خانم ها احساس می کردند فضای آزاد بیشتری در شعارهای آقای خاتمی وجود دارد. مسأله چهارم هم که مهم است این بود که کارگزاران سازندگی از آقای خاتمی حمایت کردند و جمعیت انبوهی از کشور ما به سازندگی دل بسته و به آن افتخار می کند و این امر موجب شد تا بسیاری از افراد به نظام اسلامی دلگرم شوند و پای صندوق های رأی بیایند...»

و اما از این مجموعه که رفسنجانی، با استادی و نیرنگ که ویژگی شخصیت اوست کنار هم گذاشته است، چه برداشتی می توان کرد و حقیقت امر کدام است. نخست در مورد موضع گیری نیروهای اپوزسیون نسبت به انتخابات، اعتراض تمامی نیروهای مترقی و آزادی خواه در جریان انتخابات به نبود آزادی و محترم شمرده نشدن حقوق و آزادی های دموکراتیک از سوی رژیم بود که برگزاری یک انتخابات آزاد را به مفهوم رایج آن در جهان غیر ممکن می کرد. در نبود آزادی برای احزاب، سازمان ها و جمعیت های سیاسی و صنفی و در شرایطی که شورای نگهبان رژیم «ولایت فقیه» از نزدیک به ۳۰۰ نامزد انتخاباتی تنها به چهار نفر اجازه شرکت در انتخابات را داد جای هیچ

ادامه در ص ۶

ادامه در ص ۳

۱۵ - مین کنگره حزب کمونیست چین

در راه ساختمان سوسیالیسم

در ص ۸

اهمیت استراتژیک حمل و نقل در آسیای مرکزی و

صنعت حمل و نقل در جمهوری اسلامی

در صفحات ۴ و ۵

در این شماره

۲ درص موسوی مشاور عالی رییس جمهور

۲ درص معاملات نفتی که در راه است

۳ درص تدابیر رژیم برای بی علاقتی به تعزب!

۳ درص شرکت دولتی که خانوادگی اداره می شود

۷ درص تشدید بحران در روسیه

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

های نظارتی به نظر می‌رسد تورم پنهانی به وجود آمده است و بسیاری از کالاها به خصوص بسیاری از لوازم خانگی که دارای ارزشی بیشتری نسبت به سایر کالاها هستند سر از بازار پنهانی توزیع کالاها در می‌آورند و بدین ترتیب دوگانگی قیمت‌ها به وجود می‌آید. بر اساس ارزیابی این روزنامه: «دوگانگی قیمت‌ها به نحو فاحشی بروز کرده و در برخی موارد ارقام هنوز قیمت بازار پنهان بیش از ۵۰ درصد گران تر از قیمت رسمی است...»

بیماری کم حافظگی

سردبیری روزنامه سلام در پاسخ به یکی از خوانندگان خود که به دفاع این روزنامه از شهرداری تهران اعتراض کرده است، در شماره پنجشنبه ۱۷ مهرماه خود می‌نویسد:

«اگر سخن این خواننده محترم را بپذیریم باید به سراغ صاحبان قدرتی برویم که در طول هشت سال اقدامات شهرداری تهران را در برابر دیدگان خود داشتند و اقدامی برای جلوگیری از آن نکردند... و البته سووال این است که آیا فقط در شهرداری تهران سوء استفاده رخ داده است و در این هشت سال در هیچ سازمان یا وزارتخانه و یا شرکت‌های وابسته و یا بانک‌ها سوء استفاده و تخلفی رخ نداده است و اگر بوده و رسیدگی نمی‌شود، چرا؟... امروز تنها و فقط شهردار تهران باید مورد حمله و هجوم قرار گیرد؟ یا اینکه آقایان از شعار مخالف هاشمی، مخالف پیغمبر است پشیمان شده‌اند؟ آقایان گمان نکنند که مردم ایران کم حافظه‌اند و نوشته‌ها و گفته‌های آنان را در طول هشت سال گذشته فراموش کرده‌اند آن روزگاری که ما نوشتیم و گفتیم و آن سیاست‌ها را نقد کردیم همین قلم‌ها و همین زبانها ناجوانمردانه‌ترین حمله‌ها را به ما کردند که چرا دولت را تضعیف می‌کنید و چرا مردم را دلسرد می‌کنید و چرا چوب لای چرخ دولت می‌گذارید...»

البته باید این نکته را اضافه کرد که بنظر می‌رسد بیماری کم حافظگی تنها مختص یک جناح از جناح‌های جمهوری اسلامی نیست و خود جناح «سلام» و «سلامیان» نیز اکنون مدتهاست که به همین بیماری دچار است و فراموش کرده‌اند که چگونه زمانی معتقد بودند «راست مدرن» (یعنی جناح رفسنجانی و کارگزاران) از «راست سنتی» (جناح رسالت) خطرناک تر است و امروز با همین نیرو در یک ائتلاف واحد قرار دارد. حضرات همچنین فراموش کرده‌اند که نزدیک به هشت سال سکان دار جمهوری اسلامی بودند و در زمان همین سکان داری چه فحایعی در مملکت رخ داد که کشتار هزاران زندانی سیاسی از جمله آنان است.

موافق و مخالف، رسانه‌های گروهی جمهوری اسلامی گزارش دادند که کرباسچی به دلیل عدم حضور رییس دادگستری تهران از شرکت در جلسه مجلس خودداری کرده است. بر اساس همین گزارش‌ها محمد یزدی از شرکت رییس دادگستری تهران در جلسه مجلس به دلیل «تداخل وظایف سه قوه» جلوگیری کرده است و ریاست مجلس هم برای اینکه گزارش یک طرفه به مجلس داده نشود در فکر سازمان دهی جلسه ای دیگر است تا نماینده ای از قوه قضائیه در آن حضور پیدا کند.

معاملات نفتی دیگری که در راه است

بر اساس گزارش روزنامه واشنگتن پست، شرکت انگلیسی «شل» نیز در حال بررسی طرح ۲/۵ میلیارد دلاری لوله کشی گاز در شمال ایران است. بر اساس این طرح عظیم گاز ترکمنستان از طریق ایران به ترکیه ارسال خواهد شد. پیش بینی می‌شود از این لوله‌ها و خط لوله دیگری که ترکمنستان در ماه‌های آینده خواهد گشود، سالانه ۲ میلیارد متر مکعب گاز برای تغذیه پالایشگاه‌های شمال ایران صادر گردد. واشنگتن پست همچنین اضافه می‌کند که احتمال همکاری ایران در قرار داد بزرگ ۹/۵ میلیارد دلاری میان چین و قزاقستان و حمل نفت حاصله از میدان‌های نفتی قزاقستان نیز وجود دارد.

۶۳۰ میلیون تومان اتومبیل‌های تجملی برای مجلس

بر اساس گزارش روزنامه کیهان (دوشنبه ۲۱ مهرماه) «پرداخت ۶۳۰ میلیون تومان از بودجه کشور برای خریداری اتومبیل‌های گران قیمت و اشرافی اگرچه با هدف تأمین نیاز تشریفات مجلس شورای اسلامی در پذیرایی از مهمانان عالی رتبه خارجی صورت پذیرفته است و در عرف دیپلماتیک اینگونه هزینه‌ها عادی و پذیرفته شده هستند، ولی ضرورت آن برای کشوری با مشخصات جمهوری اسلامی به شدت قابل تردید است. بدیهی است که پذیرایی از مهمانان و تکریم و حفظ احترام آنان اصول پذیرفته شده است و به یقین هیأت ریسه محترم مجلس با همین نگاه اتومبیل‌های بنز ۹۰ میلیون تومانی را خریداری کرده است...»

تورم آشکار و تورم پنهان

روزنامه کار و کارگر (یکشنبه ۲۱ مهرماه) در یادداشت سیاسی روز خود زیر عنوان «تورم پنهان و بودجه سال ۱۳۷۷» ضمن توضیح این مسأله که تورم کمر شکن وضعیت ناهنجاری را برای بسیاری از خانواده‌های زحمتکشان پدید آورده است، یادآور می‌شود: «نظارت و کنترل دستگاه‌های مسؤول در دو سال اخیر... توانست نرخ تورم را از بیش از ۵۰ درصد در سال ۱۳۷۴ به ۲۴ درصد در پایان سال ۷۵ برساند...»

معدالک به گفته این روزنامه با فشار دستگاه



میر حسین موسوی مشاور عالی رییس جمهور

بر اساس حکمی از سوی خاتمی، میر حسین موسوی به سمت مشاور عالی رییس جمهور منصوب شد. در متن حکم خاتمی آمده است: «با عنایت به سوابق درخشان و تجارب گرانقدر جناب عالی در عرصه انقلاب و کشور و خدمات برجسته شما در دوران دفاع مقدس به موجب این حکم به عنوان مشاور عالی رییس جمهور برگزیده می‌شوید...» روزنامه «ایران» سه شنبه ۲۲ مهرماه از قول مسعود بهنود نوشت که علت انتصاب موسوی نزدیکی فکری او با خاتمی در مسایل می‌باشد. به گزارش این روزنامه با انتصاب موسوی «کفه جناح چپ» در کابینه سنگین تر خواهد شد و در صورت برخورد فعال موسوی با این پست باید منتظر تأثیر این انتصاب در رابطه با سمت گیری‌های اقتصادی دولت بود.

شهردار تهران در جلسه غیر علنی مجلس

بر اساس گزارش رسانه‌های مجاز جمهوری اسلامی کرباسچی شهردار تهران قرار بود روز سه شنبه ۲۲ مهرماه در جلسه غیر علنی مجلس حضور یابد تا پیرامون مسایل شهرداری تهران، دستگیری‌های وسیع در شهرداری تهران و محاکمه شهردار منطقه ۱ و ۲۰ تهران توضیحاتی ارائه دهد.

در پی اعلام این خبر برخی از نمایندگان جناح راست سنتی نسبت به این مسأله اعتراض کردند و روزنامه «رسالت» از قول «حجت الاسلام علی زادسر» نماینده مردم جیرفت نوشت: «قبل از اینکه محاکمات شهرداران تهران آغاز گردد آقای کرباسچی در مصاحبه ای اعلام کرد که من مسؤولیت تمامی اقدامات صورت گرفته در شهرداری را می‌پذیرم.

اکنون که به تخلفات تعدادی از مسؤولین شهرداری رسیدگی و منجر به صدور حکم شده است و اغلب آنها هم بیان کرده‌اند که اقدامات خلاف قانون را با دستور شهردار تهران انجام داده‌اند به طور طبیعی آقای کرباسچی در معرض اتهام قرار دارد و در نظر گرفتن سخنرانی برای چنین فردی در مجلس مفهومی جز حمایت از متخلف ندارد...»

پس از اعتراض‌ها و برخوردهای نمایندگان

شرکت دولتی که خانوادگی اداره می شود!

یکی از «نعمت» رژیم «ولایت فقیه» طی سال های گذشته برای مردم ما، صرف نظر از بحران همه جانبه در عرصه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی... گسترش فساد مالی و اختلاس های بزرگ در بین مقامات کوچک و بزرگ رژیم می باشد.

آن چه که در سال های گذشته، آن هم در سایه درگیری های جناحی تحت عنوان اختلاس و رشوه خواری برخی از دست اندرکاران حکومت به بیرون درز کرده است، و برای نمونه می توان به اختلاس مالی ۱۲۳ میلیارد تومانی اشاره کرد که برادران رفیق دوست در آن دست داشتند و به عنوان بزرگ ترین اختلاس مالی در تاریخ ایران شناخته شد، تنها گوشه کوچکی از فاجعه ای است که رژیم «ولایت فقیه» با حیف و میل ثروت های جامعه دره عمیق فقر و ثروت را ژرف تر می کند.

ما در زیر توجه خوانندگان را به خبری که در روزهای اخیر در برخی روزنامه های کشور انتشار یافت جلب می کنیم. روزنامه اخبار در ضمیمه اقتصادی خود ضمن درج خبر استقرار ماموران بازرسی کل کشور در شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران می نویسد: «یکی از مسایلی که پیش از انتخابات ریاست جمهوری اسلامی در مطبوعات مطرح شد، قرار داشتن اداره کشتیرانی جمهوری اسلامی در دست افرادی از یک خانواده بود، به گونه ای که وزیر وقت بازرگانی، در سمت ریاست هیات مدیره شرکت کشتیرانی، برادر وی در سمت مدیر عامل شرکت کشتیرانی، برادر داماد ایشان در سمت معاون اداری شرکت، پسر خاله آن ها در سمت معاون بازرگانی کشتیرانی والفجر ۸ و داماد جدید ایشان به عنوان قائم مقام مدیر عامل کشتیرانی ایران و هند مشغول به کار بودند. که این ترکیب با تغییرات بسیار جزئی هنوز هم پا بر جاست.» (روزنامه اخبار ۱۴ مهرماه ۷۶)

ما در بالا یاد آور شدیم، آن چه که تا کنون از اخبار مربوط به سوء استفاده مقامات دولتی به گوش مردم رسیده است، تنها ذکر موارد کوچکی از یک تبهکاری بزرگ است. چرا که در همین روز روزنامه کیهان در بخش «یادداشت روز» مطلب قابل تاملی وجود دارد که حاکی از بده بستن های درون جناح های رژیم است... روزنامه کیهان می نویسد: «اخیرا برخی از افراد وابسته به جناح ها برای کیهان پیغام فرستاده اند که اگر از ادامه افشاگری علیه سوء استفاده کنندگان دست نکشند، آن ها نیز نقاط ضعفی را که از جناح رقیب خود در اختیار دارند، افشا خواهند کرد.» (کیهان دوشنبه ۱۴ مهرماه ۱۳۷۶)

باید منتظر بود و دید که عمق فاجعه ثروت اندوزی توسط مقامات دولتی تا کجا است.

ادامه ماجراجویی در خلیج فارس...

انحصاری های اسلحه و امپریالیسم از آن سودی نخواهد برد. حزب توده ایران همواره معتقد بوده است که مسایل و اختلافات میان کشورهای خلیج فارس می بایست از طریق مذاکره و صلح آمیز بررسی و حل شود. مبارزه در راه تبدیل خلیج فارس به یک منطقه عاری از نیروهای نظامی خارجی از جمله عرصه های مبارزه ای است که حزب ما پیگیر در راه آن تلاش کرده است. خروج ناوگان نظامی آمریکا و ناتو از منطقه نخستین گام در راه تشنج زدایی در منطقه است.

تدابیر ویژه وزارت کشور برای رفع مشکل بی علاقگی به تشکیل احزاب

یک نمونه از ژست های تبلیغاتی مسئولین کشور برای نشان دادن آزادی در «آزادترین» کشور جهان، بحث و مجادله های قلمی پیرامون تشکیل احزاب در میهن ما است، که هر از گاهی در مطبوعات رسمی راه پیدا می کند.

نمونه جدید آن نیز گفته های اخیر عبدالله نوری وزیر جدید کشور در دولت محمد خاتمی است. وی در گفت و گویی که بخش هایی از آن در روزنامه های کشور انتشار یافت از جمله گفت: «پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون تعداد زیادی از احزاب کشور مجوز فعالیت گرفته اند، ولی به علت فقدان علاقه جدی در مردم به تحزب گرایی این احزاب در گذشته نتوانسته اند در جامعه گرایش حزبی خود را به عنوان یک راه کار و اساسنامه حزبی عرضه کنند.» (اطلاعات ۱۵ مهرماه)

مردم میهن ما دیگر می دانند که یکی از ویژه گی های مقامات مسؤول رژیم کلی بافی و گفتن دروغ های بزرگ است. و نقل قول بالا یکی از صدها نمونه است. زیرا بر خواننده معلوم نیست که آیا وزیر کشور جمهوری اسلامی در باره وجود احزاب در کشور دیگری سخن می گوید یا منظور وی ایران است؟ اگر منظور آزادی تشکیل احزاب در رژیم جمهوری اسلامی است، باید گفت که اطلاعات وزیر کشور آن بسیار ناقص و دور از حقیقت است. برای ما مشخص نیست که منظور از «تعداد زیادی احزاب» که گویا «مجوز قانونی» برای فعالیت هم دریافت کرده اند، کدام ها هستند.

این یک دروغ تاریخی است. زیرا مردم ستمدیده میهن ما با تجربه دردناک خود در هجده سال گذشته با کارنامه رژیم «ولایت فقیه» در سرکوب، پیگرد، اعلام انحلال و تاراندن احزاب و سازمان های مختلف آشنا هستند. مگر نه این که کلیه تشکل های سیاسی بعد از انقلاب توسط همین رژیم یکی پس از دیگری تار و مار شدند. و رهبران، اعضا و هواداران آن ها دستگیر و روانه سیاهچال های رژیم جمهوری اسلامی شده و بالاخره دسته جمعی به جوخه اعدام سپرده شدند.

در کشوری که حتی نویسندگان و هنرمندان آن اجازه ندارند برای دفاع از حقوق ابتدایی خود کانون صنفی تشکیل دهند، تا جایی که حتی سخن گفتن از چنین خواست هایی تضییقاتی را برای آن ها به دنبال دارد، صحبت از امکان وجود تشکیل احزاب حرف مسخره ای بیش نیست.

نکته جالب تر این که عبدالله نوری در همین گفت و گو برای رفع هر گونه شبهه ای با تاکید بر گفته های مقامات عالی رتبه رژیم می گوید: «برای رفع مشکل فرهنگی بی علاقگی مردم به مشارکت در احزاب، وزارت کشور تدابیر ویژه ای را پیش بینی کرده است که آن ها را به مرحله اجرا در خواهد آورد.» (همان منبع)

برای کارگران و سایر زحمت کشان میهن ما که حتی اجازه ندارند برای دفاع از حقوق اولیه خود در صنف مربوطه تشکلی را بوجود آورند، سخن از «تدابیر ویژه» وزارت کشور برای «تشکیل احزاب» معلوم نیست از چه قسمی است.

در هر صورت مقصد این سخنان از دو حال خارج نیست، یا وزیر کشور می خواهد برای مصرف خارجی ژست تبلیغاتی بگیرد یا این که وزارت کشور در صدد ایجاد احزاب فرمایشی قابل مهار در قفس تنگ «ولایت فقیه» است.

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

مقاله رسیده

اهمیت استراتژیک حمل و نقل در آسیای مرکزی و صنعت حمل و نقل در جمهوری اسلامی

های سنگین امروزه ایران به یک بزرگراه مواصلاتی میان کشورهای منطقه برای ترانزیت کالا تبدیل شده ایران در برنامه های آینده خود با ایجاد بزرگراه های متعدد طرح اتصال دریای خزر به خلیج فارس را دنبال خواهد کرد...». در راستای اهمیت صنعت حمل و نقل در منطقه، دومین اجلاس مقامات بلند پایه راه آهن های ۱۰ کشور عضو اکو به مدت ۲ روز در محل مرکز آموزش راه آهن تهران در اواسط خردادماه برگزار شد. در این اجلاس مدیران اجرایی، رؤس طرح های مختلف در زمینه توسعه شبکه های راه آهن کشورهای عضو، تعیین مقررات مشترک و مکانیسم تسهیل کننده به منظور حمل و نقل در طول خطوط اصلی راه آهن سراسری آسیا - اروپا و پیش نویس موافقتنامه تهیه شده توسط بکتاد را مورد بحث و بررسی قرار دادند.

همزمان با تدارک و برگزاری این اجلاس، مقامات دولتی رژیم اعلام کردند که مسیر راه آهن با درود-زواره-میبد به طول ۲۵۶ کیلومتر تکمیل و آماده شده است با بهره برداری از این خط آهن فاصله کشورهای آسیای میانه تا خلیج فارس ۱۰۰ کیلومتر کوتاهتر می شود. اما با همه این تبلیغات و عملیات اجرایی که بیش از واقعیت موجود بزرگ نشان داده می شوند، صنعت حمل و نقل در مجموعه کشورهای منطقه و نیز ایران، بسیار عقب مانده و غیر مدرن است.

صنعت حمل و نقل در پایه گذاری اقتصاد ملی و رشد صنعتی و کشاورزی و نیز ارتباط با آسیای میانه و منافع اقتصادی و سیاسی حاصل از آن برای میهن ما یک الویت محسوب می شود. در حال حاضر بنا به آمار و ارقام منتشر شده و معتبر صنعت حمل نقل ایران در شرایط فاجعه باری قرار دارد و فرسنگ ها با یک صنعت کارا و پیشرفته، آنچنان که ضرورت های ملی ایجاب می کند، فاصله دارد. بنا به آمار رسمی، مجموعه طول راه های کشور شامل آزاد راه، بزرگ راه، راه های اصلی و فرعی و راه های روستایی کمتر از ۱۱۱ هزار کیلومتر است. طول شبکه راه آهن کشور طبق آمار دولتی ۵۲۲۶ کیلومتر می باشد. میزان جابجایی کالا با راه آهن بالغ بر ۲۰ میلیون تن در سال ۱۳۷۴ گزارش شده است، حدود ۹ میلیون نفر نیز در سال ۱۳۷۴ به وسیله راه آهن مسافرت کرده اند.

در زمینه حمل و نقل دریایی که برای میهن ما پر سود و دارای اهمیت استراتژیکی است، رژیم ضد ملی ولایت فقیه تأثیرات مخرب برجای گذاشته است. کل ظرفیت بنادر بازرگانی ایران زیر ۲۸ میلیون تن در سال ۱۳۷۴ بود. میزان تخلیه و بارگیری کالا از تمامی بنادر ایران در سال ۱۳۷۴ حدود ۱۷ میلیون تن گزارش شده است. این رقم در مقیاس با توانایی کشور و موقعیت جغرافیایی ایران نشانه بارز فروپاشی و اضمحلال است. روزنامه کیهان در اوایل خردادماه گزارشی از ناوگان بازرگانی ایران منتشر ساخت در این گزارش به صراحت اعلام می شود: «...در پایان سال ۱۳۷۴ تعداد کشتی های ناوگان بازرگانی به ۷۰ فروند و ظرفیت ناوگان به بیش از ۲ میلیون تن بالغ شد... هنوز ظرفیت ناوگان کشتی رانی متناسب با میزان حمل و نقل کالا به کشور نمی باشد...».

در زمینه حمل و نقل هوایی، بویژه جابجایی مسافران سازمان هواپیمایی ملی ایران (هما) روند نزولی را طی کرده و در سطح جهانی از ضعیف ترین شرکت ها محسوب می شود. در سال ۱۳۷۴ در مجموع ۵/۸ میلیون نفر شامل پروازهای داخلی و خارجی از طریق ناوگان هوایی کشور جابجا شده اند. هواپیمایی ملی ایران در اثر سیاست های مخرب رژیم بسیاری از علاقمندان خود را از دست داده و شرکت های خارجی به دست می آورند.

ادامه در ص ۵

تغییرات گسترده در جغرافیای سیاسی شرق و مرکز آسیا، پدیدار شدن کشورهای نوپدید آسیای میانه و حوضه دریای خزر و به تبع آن شکل گیری مناسبات اقتصادی - سیاسی نوین در منطقه و نیز اهمیت گسترش این مناسبات در مقیاس جهانی، باردیگر مسئله حاد و حیاتی، کیفیت و توانایی اقتصادی و مالی و سیاسی کشورهای منطقه بویژه میهن ما ایران را که به دلایل بسیاری از جمله موقعیت جغرافیایی منحصر بفرد، مهمترین کشور منطقه به شمار می آید، مطرح و آشکار ساخت.

در آستانه هزاره سوم و پایان سده بیستم، کشورهای نظیر جمهوری اسلامی، ترکیه و پاکستان با توانایی هایی بسیار ضعیف و اقتصادی واپس مانده بیمار، تورمی و فرسوده و به شدت فاسد در معاملات و تحولات فوق العاده مهم در یکی از حساس ترین مناطق جهان یعنی آسیای میانه و حوضه دریای خزر عقب افتاده اند و به جای همکاری متقابل و سودمند در جهت منافع مردم این کشورها به زائده و دنبال رو و مجری نقشه های امپریالیستی، هر یک به شکلی مستقیم و غیر مستقیم و با توجه به ویژگی های خود، بدل شده اند. در نیم سده گذشته بویژه این سه کشور منطقه با اتخاذ راه رشد مورد تایید و خواست سرمایه داری جهانی از مدلی پیروی کردند که سرانجام آن اقتصادی ضعیف، بنیه مالی شکننده و جوامعی واپس مانده بوده است.

مدل رشد اجتماعی - اقتصادی این کشورها از سوی امپریالیسم همراه با دیکتاتوری های خونین به آنها تحمیل گردید. این راه رشد در جهت ضرورت های ملی این کشورها و منافع زحمتکشان آنها نبود و به اساس نیاز و بازتولید سیستم سرمایه داری جهانی تنظیم شده بود. اینک ساختار واپس مانده و وابسته این کشورها سبب شده که در تحولات کنونی در آسیای میانه و حوضه دریای خزر بازهم انحصارات امپریالیستی از آمریکا، اروپا و ژاپن نقش مسلط را داشته باشند و آنها به نقش درجه دو یعنی کارگزار و مجری بسنده کنند. در معاملات کنونی این منطقه در عرصه اقتصادی، انرژی و حمل و نقل اهمیت بیشتری را دارا هستند و در همین دو رشته نیز انحصارات بیشترین سهم را به خود اختصاص می دهند. در کنار راه های عبور شاه لوله های نفت و گاز، هم اینک حمل و نقل نیز رقابت های آشکار و پنهان را بین کشورهای منطقه پدید آورده است. اما هیچیک از کشورهای رقیب از شبکه مدرن کارآمد و اصولی حمل و نقل برخوردار نیستند.

در اجلاس فوق العاده سران کشورهای عضو (اکو) که در اردیبهشت ماه سال جاری در عشق آباد پایتخت ترکمنستان برگزار شد دو مطلب محور اجلاس را تشکیل می داد:

الف - انتقال نفت و گاز به خارج

ب - صنعت حمل و نقل

بیانیه پایانی اجلاس مذکور به روشنی ثابت می کند پس از مباحث راجع به نفت و گاز، موضوع حمل و نقل از اهمیت جدی برخوردار بوده است. پس از پایان نشست سران اکو، رهبران رژیم ولایت فقیه و به پیروی از آنها مطبوعات مجاز جمهوری اسلامی، تبلیغات هدفمند و گسترده ای را در باره اصطلاح «شکوفایی صنعت حمل و نقل» و «نقش انکار ناپذیر ایران در آسیای میانه به دلیل وجود راه آهن و بزرگراه های مناسب» به راه انداختند.

به عنوان نمونه رفسنجانی روز ۲۹ اردیبهشت ماه امسال در دیدار با دبیر کل سازمان همکاری های اقتصادی (اکو) و مدیران اجرایی سازمان های منطقه ای شرکت کننده در سومین نشست سازمان های زیر منطقه ای آسیا، در این باره از جمله گفت: «...در بخش حمل و نقل به دلیل سرمایه گذاری

ادامه اهمیت استراتژیک حمل و نقل ...

تبلیغاتی نظیر افزایش دالان های هوایی آسمان ایران از ۲۳ به ۶۷ نمی تواند واقعیت اسف بار ناوگان هوایی را تحت الشعاع قرار دهد.

کل سرمایه گذاری ثابت در بخش راه ترابری از ۲۲۴/۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ به ۴۱۷/۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۳ افزایش یافت. این افزایش در قیاس با ضرورت های موجود به معنای صفر است. برای پی بردن به شرایط وخیم و نگران کننده صنعت حمل نقل توجه به بخشی از گزارش منتشر شده در کیهان جالب است، در این گزارش آمده است: «... آمار عملکرد برنامه اول، گواه آن است که متأسفانه بخش حمل و نقل آنچنان که در برنامه پیش بینی شده بود، نتوانست ارزش افزوده مورد نظر را تأمین کند. ارزش افزوده بخش حمل و نقل از ۸/۸۵۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۰ به ۲/۹۵۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۱ و سپس به ۱/۱۰۳۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۲ رسید که از رقم مورد نظر در برنامه برای همین سال به میزان ۱۱۵۱/۸ میلیارد ریال کمتر بود...»

در همین گزارش اضافه می شود: «دولت در دومین برنامه پنجساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور تلاش می کند، پروژه های نیمه تمام توسعه صنعت حمل و نقل را به انجام برساند و با تشویق بخش خصوصی و تعاونی ها به سرمایه گذاری در این زمینه، فرآیند سرمایه گذاری را از توسعه مناسبی برخوردار سازد، لیکن انتظار نمی رود که اهداف برنامه دوم به طور کامل تحقق گردد... کارشناسان معتقدند با توجه به این مسایل صنعت حمل نقل همچنان بارکود سرمایه گذاری مواجه خواهد بود... سرمایه گذاری در توسعه ناوگان دریایی و هوایی با وجود خرید کشتی ها و هواپیماهای جدید به لحاظ کمبود منابع سرمایه گذاری محدود خواهد شد...»

باید اضافه کرد، محدودیت های مالی، فنی و علمی در رشته حمل و نقل ریشه های عمیق دارد و این رشته حیاتی با مشکلات عدیده و جدی روبروست. گزارشی که در کیهان به تاریخ ۱۹ خردادماه سال جاری تحت عنوان «شبکه خط آهن ایران کلیه توسعه اقتصادی منطقه» انتشار یافت دربرگیرنده نکات افشاگرانه بسیاری است، از جمله اینکه: «... اعتبارات ارزی واگذار شده به راه آهن نیز همانند اعتبارات ریالی سیر نزولی داشته و به لحاظ ضعف نقدینگی، میزان ارز تخصیص یافته به بخش ترابری ریلی به شدت تنزل یافته و در چهار سال اخیر نیز بهبودی در این زمینه به وجود نیامده است... میانگین نیاز ارزی راه آهن برای نگهداشت سطح حداقل در دوره اجرای یک برنامه پنجساله حدود ۱۱۰ میلیون دلار در سال است... بودجه راه آهن ایران با ۲۸ درصد کاهش نسبت به سال ۱۳۷۳ به رقم ۱۴۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۴ رسید... بودجه عمرانی راه آهن به قیمت های ثابت در سال گذشته (۱۳۷۴) بیش از ۶۵ درصد تنزل یافته است...»

این آمار و ارقام در کنار ادعاهای دروغین سران رژیم ولایت فقیه، نشانگر خیانت بزرگ به منافع ملی میهن ما است.

ایران بدون دستیابی به صنعت حمل و نقل پیشرفته و کارآمد و گسترده قادر به شکوفایی اقتصادی نخواهد بود و نقشی نیز در تحولات منطقه ای نخواهد داشت. یک برنامه استراتژیک ملی که مبتنی بر رشد اقتصادی و پیشرفت و عدالت اجتماعی باشد، با اهمیت قراردادن حمل و نقل کارآمد زمینه های پیشرفت ایران را در سده بیست و یکم فراهم می آورد. این واقعیت و اجرای آن از عهده رژیم ولایت فقیه خارج است. هم اینک سالانه میلیون ها دلار برای حمل و نقل کالا و بیمه آن به صندوق شرکت های خارجی واریز می شود. این منافع باید در اختیار میهن ما قرار بگیرد.

گسترش شبکه راه آهن، بزرگراه ها و ناوگان هوایی و دریایی، اتصال شبکه های وسیع حمل و نقل در داخل کشور بین مراکز صنعتی و کشاورزی و نیز شهری و اتصال این شبکه به آسیای میانه و حوضه دریای خزر از اولویت های مهم اقتصاد ملی ایران است. رژیم «ولایت فقیه» به دلیل ماهیت انگلی و عمیقاً ارتجاعی خود توان پیش بردن و تحقق چنین برنامه های

استراتژیکی را که اهمیت فوق العاده ای برای میهن ما دارد، ندارد. تجربه هجده سال گذشته و تفاوت های آشکار میان شعارهای توخالی و عوام فریبانه رژیم و آنچه در عمل تحقق یافته است بهترین گواه بی لیاقتی و عدم توانایی رژیمی است که مدعی است ایران امروز یک «بزرگراه مواصلاتی میان کشورهای منطقه برای ترانزیت کالا» است.

ادامه کنگره حزب کمونیست چین ...

زبان زمین تأکید کرد که به عنوان یک کشور سوسیالیستی، چین باید اولاً مالکیت عمومی را به عنوان پایه یک سیستم اقتصادی سوسیالیستی حفظ کند، ثانیاً اشکال متنوع مالکیت را مادامی که به موضع غالب مالکیت عمومی ضربه نزنند، توسعه دهد، ثالثاً هر شکلی از مالکیت را که معیار «مطلوب» را برآورد یعنی که به توسعه نیروهای مولده جامعه سوسیالیستی، به تقویت قدرت ملی همه جانبه چین و ارتقاء سطح زندگی مردم کمک کند، می تواند و باید در خدمت سوسیالیسم مورد استفاده قرار گیرد.

در جریان کنگره سخنرانان متعددی در مورد دستاوردهای اقتصادی چین و ثمرات این دستاوردها در خدمت به سوسیالیسم توضیحاتی دادند. هوا گشووان، از سیاست گذاران اقتصادی منطقه شانگهای گزارش داد که در طول پنج سال گذشته تولید ناخالص ملی از ۱۰ میلیارد یوان (واحد پولی چین) در سال ۱۹۹۲ به ۵۱ میلیارد یوان در سال ۱۹۹۶ افزایش یافته است. او در توضیح دلیل کوشش مسؤولان دولتی پیودانگ (در منطقه شانگهای) برای جلب انحصارات بین المللی به این منطقه گفت: «ما می خواهیم که سرمایه گذاری خارجی دانش تکنولوژیک و مهارت های مدیریتی را توسعه بدهیم... برای جذب سرمایه گذاری خارجی، ما باید به آنها اجازه بدهیم که پولی بدستشان بیاید ولی کنترل را حفظ خواهیم کرد و شرایط خود را تحمیل می کنیم... بسیاری از اجزاء متشکله لازم برای عمل کرد کمپانی های انحصاری در محل تولید خواهند شد. این تقاضا برای ارز خارجی را تقلیل خواهد داد». هواگشووان در ارزیابی کارنامه این برنامه همکاری با سرمایه جهانی متذکر شد که اشتغال و درآمد مالیاتی افزایش یافته است. او گزارش داد که نرخ رشد متوسط اقتصاد از سال ۱۹۹۰ به بعد سالانه ۲۲ درصد بوده است و تولید ناخالص ملی سرانه از ۱۰۰۰ دلار در سال ۱۹۹۰ به ۴۵۰۰ دلار در سال ۱۹۹۷ افزایش یافته است. گشووان اضافه کرد: «ما می دانیم که شرکت های ماوراء بحار در اینجا به خاطر این سرمایه گذاری می کنند که سود ببرند، لیکن ما تخمین می زنیم که حاصل ما در مقایسه با آنچه از دست می دهیم بیشتر است». لی زیجیانگ از رهبران سازمان حزب در پکن گزارش داد که در طول پنج ساله گذشته توسعه اقتصادی سریع بوده است. او گفت: «این در جهان استثنایی است که موفقیت این چینی در رشد اقتصاد ملی بدون دامن زدن به تورم حاصل گردد».

کنگره ۱۵ حزب کمونیست چین قرارهای مشخص برای اصلاحات و توسعه در عرصه های اقتصادی- سیاسی و فرهنگی را به تصویب رساند. در گزارش دبیر کل حزب خاطر نشان می شود که دوره زمانی تا انتهای ۱۰ ساله اول قرن بعد برای مدرنیزاسیون سوسیالیستی چین حیاتی خواهد بود. در طول این دوره چین باید فعالانه به منظور ساختمان یک ساختار اقتصاد آزاد تغییرات پایه ای در ساختارهای اقتصادی و اسلوب رشد اقتصادی بدهد.

وی متذکر شد که چین باید برای دستیابی به مدرنیزاسیون اساسی تا قبل از نیمه قرن بیست و یکم، بازسازی سیاسی را همزمان با وفادار ماندن به ۴ اصل اساسی وسعت بخشیدن بیشتر به دموکراسی سوسیالیستی، بهبود سیستم قضایی سوسیالیستی، اداره دولت بر اساس قانون و لذا ساختمان یک کشور سوسیالیستی بر مبنای قانون سازمان دهد.

ادامه درس های انتخابات و خط های قرمزی ...

مورد سیاست ها اول با مجمع تشخیص مصلحت مشاوره می کنند و سپس اعلام می کنند... تفاوت بین اعلام بدون مشورت و با مشورت است...». به عبارت دیگر پس از این خامنه ای پس از مشورت با رفسنجانی است که سیاست های کلی رژیم را تعیین و اعلام می کند. بر این اساس نقش اساسی رفسنجانی و خامنه ای به عنوان دو ستون اساسی رژیم در تعیین سیاست های کلی و اگر دقیق تر بگویم سیاست ها برای حفظ رژیم «ولایت فقیه» و استبداد حاکم روشن می گردد. در چنین چارچوب بدیهی است که تمامی ارگان های منتخب مانند مجلس و ریاست جمهوری تنها می بایست به نقش کارگزاری این سیاست ها قناعت کنند و بس.

رفسنجانی در همین مصاحبه در مورد باز شدن فضای سیاسی کشور و آزادی احزاب و مطبوعات به مسأله کلیدی اشاره می کند و می گوید: «از گذشته هم ترغیب می شد که کسانی که شرایط دارند حزب تشکیل دهند و در مورد مطبوعات هم شما اگر روزنامه های ایران را از سال ها قبل بخوانید می بینید که خیلی انتقاد های تند و صریح در آن وجود دارد و آزادی های جدی در اینجا هست. در هر دو مورد یک خط قرمزهایی وجود دارد که از آن عبور نمی شده است و در حال حاضر هم آن خط قرمزها باید حفظ شود...».

رفسنجانی «خط قرمزها» را مسایل فرهنگی، سیاسی و مدیریتی که انقلاب برای آن رخ داده است می داند ولی از لابلای این کلمات روشن است که منظور اساسی رفسنجانی حفظ همان شرایطی است که در سال های اخیر وجود داشته است. منظور از «خط قرمز» همان حدودی از آزادی است که به پایه و اساس رژیم یعنی حاکمیت «ولایت فقیه» و روحانیت نتواند لطمه ای وارد کند. احزابی آزاد گردند و تشویق به فعالیت شوند که در اساس برای حفظ رژیم «ولایت فقیه» سینه می زنند و به عبارت دیگر باید تنها به «بزرگ» کردن سیمای کربه استبداد قرون وسطایی کنونی پرداخت و هرگونه حرکت اساسی به سمت آزادی، حکومت قانون و استقرار جامعه مدنی که مترادف با عبور از این «خط های قرمز» است مجاز نیست.

مردم ما خوب به خاطر دارند که رفسنجانی نیز در ابتدای دوران ریاست جمهوری خود وعده های فراوانی پیرامون باز شدن فضای سیاسی کشور و آزادی احزاب و مطبوعات می داد ولی حضرات خیلی زود دریافتند که هرگونه گشایشی در فضای سیاسی کشور می تواند به سیلابی بدل شود که مجموعه رژیم را نابود کند و آنچه که در هشت سال گذشته رخ داده است، یعنی ادامه سرکوب، استبداد و تجاوز به حقوق و آزادی های دموکراتیک اکثریت عظیم مردم ما نیز در چارچوب حفظ همین «خط های قرمز» بوده است. پیام اصلی مردم در انتخابات نه «بزرگ» کردن سیمای استبداد «ولایت فقیه» بلکه طرد آن و حرکت به سمت جامعه ای است که در آن آزادی و قانون و مدنیت حاکم باشد. ما قبلاً گفته ایم و مجدداً تکرار می کنیم که رهبری جمهوری اسلامی در کلیت خود مایل به تغییرات بنیادین به نفع خواست های مردمی، به نفع آزادی و حکومت قانون نیست و میان این دو پدیده یعنی حاکمیت روحانیت و خواست های مردم برای تعیین سرنوشت خود تضادی آشتی ناپذیر برقرار است. در شرایط ادامه این رژیم تنها امید به تشدید مبارزه و تشدید فشار برای عقب راندن این «خط های قرمز» و وادار کردن حاکمیت به تن دادن به خواست های مردمی در عرصه آزادی، حکومت قانون و عدالت اجتماعی است. ما با این ارزیابی رفسنجانی موافقیم که مردم در جریان این انتخابات به نیروی شگرف همبستگی و حرکت واحد خود پی بردند و اضافه می کنیم که آنها مصمم اند تا خواست های خود را علی رغم مانورهای رژیم و رهبران آن به کرسی بنشانند. پیروزی دوم خرداد آغاز حرکتی است که پایان پیروزمند آن پایان رژیم «ولایت فقیه» و استبداد قرون وسطایی حاکم بر میهن ماست.

شک و تردید نیست که انتخابات دوم خرداد یک انتخابات «آزاد» نبود. این مسأله با شرکت مردم در انتخابات و رأی دادن به یکی از چهار نامزد باقی مانده در انتخابات تفاوت اساسی دارد. مردم در شرایط غیر دموکراتیک و ضد آزادی که از سوی رژیم به آنها تحمیل شده بود تصمیم به شرکت در انتخابات و ضربه زدن به این مجموعه ضد مردمی که ما به آن رژیم «ولایت فقیه» می گویم گرفتند. این شرکت در انتخابات و رأی دادن به خاتمی برخلاف ادعای رفسنجانی نه تنها نشانه حسن نیت و اعتماد مردم به رژیم و روحانیت حاکم نیست بلکه برعکس رأی منفی و «نه» تاریخی به رژیمی است که بدون کوچکترین توجهی به خواست های مردم و آرمان های انقلاب بهمن ۵۷ که مردم ما برای آن فداکاری کم نظیری کردند، به حیات خود ادامه می دهد. افزون بر این و با توجه به اینکه مردم به نامزد مورد نظر «ولی فقیه»، «حوزه علمیه» قم (و شهرهای دیگر)، «روحانیت مبارز»، که رفسنجانی خود عضو شورای مرکزی آن است و بخش مهمی از روحانیونی که ارکان های اساسی حکومتی را در قبضه خود گرفته اند، رأی مخالف دادند نشانگر تفر و بیزاری عمیقی است که مردم از این مجموعه دارند. اینکه در میان چهار نامزد انتخاباتی یک فرد غیر روحانی، منظور زواره ای، یعنی یکی از هم فکران نماینده شکست خورده روحانیت وجود داشت، نه تنها نمایانگر دفاع مردم از روحانیت نیست بلکه نمایانگر این است که مردم در اکثریت عظیمی به نمایندگان فکری (چه روحانی و چه غیر روحانی)، خطی که معتقد بود اساس حکومت کشور می بایست هرچه بیشتر بر پایه «ولایت» استوار گردد، رأی منفی قاطعی دادند.

هراس بزرگ روحانیت از این تودهنی تاریخی و بازتاب آن در سازمان دهی بورش تبلیغاتی گسترده و دامنه داری برای دفاع از «ولایت فقیه» و «ولی فقیه» نشانگر این واقعیت و ضربه سختی است که روحانیت حاکم در جریان انتخابات خورده است. و اما ما با این نکته سخت موافقیم که مردم خواهان آزادی و باز شدن فضای سیاسی و پایان یافتن اختناق و سرکوب حاکم هستند. فضایی که در آن تجاوز به حقوق مردم در تمامی عرصه ها از عرصه های اجتماعی - سیاسی تا عرصه خصوصی، ویژگی رژیم و دستگاهی است که معتقد است «ولی فقیه» بر همه امور مردم باید حکومت کند.

و اما در مورد «کارگزاران سازندگی» و افتخار مردم به «سازندگی» رژیم، واقعیت اعتراض های وسیع مردمی در دوران دولت رفسنجانی خلاف این ادعای جانشین «ولی فقیه» است. ما قبلاً مفصلاً در مورد دوران دولتمداری هشت ساله رفسنجانی و «دست آوردهای» آن نوشته ایم و نیازی به تکرار آن در اینجا نیست و تنها کافی است اشاره کنیم که از جمله این «دست آوردها» تشدید بی سابقه فقر، تشدید فاصله طبقاتی، تشدید محرومیت اجتماعی، ورشکستگی مالی دولت در شکل بالا آوردن بدهی ۳۰ میلیارد دلاری به خارج و ظلم و فساد بی سابقه در دستگاه اداری است که امروز به دولت جدید به ارث رسیده است و جای افتخار برای کسی باقی نمی گذارد.

از نکات مهم دیگر صحبت رفسنجانی در این مصاحبه اشاره او به موضوع مجمع تشخیص مصلحت و وظایفی است که به دوش این ارگان گذاشته شده است. بر اساس گفته رفسنجانی: «در حقیقت مجمع تشخیص مصلحت تأسیس شده است برای رفع مشکلات دولت و سه وظیفه اساسی برای آن مشخص شده است. یکی رفع اختلافات بین مجلس و شورای نگهبان... دوم بررسی مواردی که مشکل عمده ای در دولت باشد که نه مجلس نه دولت و نه شورای نگهبان و قوه قضائیه با موازین قانونی نتوانند حل کنند و اختیارات فوق العاده نیاز داشته باشد... مسأله سوم که کمک زیادی است این است که سیاست های کلی را در نظام ما باید رهبری تعیین کند که مجلس و دولت از آن سیاست ها راهنمایی می گیرند. تا به حال رهبری خودشان این سیاست ها را اعلام می کردند و بر اساس آن برنامه ها نوشته می شد ولی از این به بعد در



تشدید بحران سیاسی در روسیه

دولت سرمایه داران روسیه که به شدت از عدم کنترل بر مجلس دوما نگران و از مصوبات آن که جنبه حمایت از مردم و زحمتکشانش دارد، ناراضی است، در صدد است این مجلس را منحل سازد.

بوریس یلتسین در چهارمین سالگرد حمله فاشیستی تانک های تحت فرمان او به ساختمان پارلمان که در کنترل نیروهای اپوزیسیون بود، در یک پیام رادیویی به مجلس دوما اخطار کرد که «صبر رئیس جمهور بی حد و مرز نیست». حمله یلتسین به پارلمان به دلیل موضع مخالف آن در قبال خرید و فروش زمین های زراعی و مخالفت نمایندگان دوما با کاهش مقرری های اجتماعی است که به کم درآمدترین اقشار جامعه و بازنشستگان تعلق می گیرد. یلتسین دوما را متهم کرد که با «مداخله» در مسایل مربوط به سیاست خارجی حیثیت روسیه را خدشه دار کرده است. رئیس جمهور مستبد روسیه علنا عدم پشتیبانی خود را از ارگان های دموکراتیک و منتخب مردم که منطقا مخالف سیاست های او هستند، اعلام کرده است.

رهبر حزب کمونیست فدراسیون روسیه در رابطه با اظهارات یلتسین گفت که پیام رادیویی او یک «اولتیماتوم تقابل جوانانه» به منظور «باج گیری» از دوما در زمانی است که نمایندگان دوما مشغول بررسی طرح بودجه ۱۹۹۸ هستند و قرار است که در مورد آن نظر بدهند. زیوگانیف دولت یلتسین را «مطلقا ورشکسته نامید، چه از نظر مالی و چه از نظر عقلانی». او گفت: «ما به این بودجه رای نخواهیم داد». اکثر افراد سرشناس و منتقد پارلمان شدیداً اظهارات یلتسین را مورد انتقاد قرار دادند. ویکتور ایلیوخین، صدر کمیسیون امنیت دوما، در نامه سرگشاده ای که در «ساوتسکایا روسیا» منتشر شد اقدام «عیب جوانانه» یلتسین در انتقاد به دوما و نمایندگان اپوزیسیون را مورد حمله قرار داد.

گنادی سلزیوف، سخنگوی دوما خاطر نشان کرد که پارلمان «یک ساختار بوروکراتیک برگمارده نیست... مردم دوما را انتخاب کرده اند به همان طریقی که رئیس جمهور را انتخاب کردند». آناتولی لوكیانوف، صدر کمیسیون قانونگذاری دوما گفت که دوما را نباید مقصر بالا رفتن تنش بین شاخه های مقننه و اجراییه دانست. سرگئی باورین که معاون سخنگوی پارلمان است خواستار رای اعتماد به دولت شد. حزب کمونیست روسیه در راستای برنامه اعلام

شده خود برای فشار به دولت و رئیس جمهور اعلام کرد که ۱۴۶ نماینده دوما حمایت خود را از طرح قطعنامه عدم اعتماد به دولت اعلام کرده اند. زیوگانیف به خبرنگاران گفت که حزب کمونیست از رای عدم اعتماد به دولت حمایت می کند، زیرا «جناح افراطی دولت... دست بالا را گرفته است و سیاست های مخربی را به کشور تحمیل می کند». او تأیید کرد که رای عدم اعتماد به دولت می تواند منجر به انحلال پارلمان گردد.

برطبق قانون اساسی غیر دموکراتیکی که زیر فشار یلتسین تصویب شده است، در صورتی که دوما دوبار ظرف سه ماه به دولت رای عدم اعتماد بدهد، رئیس جمهور می تواند، دوما را منحل کند. البته انحلال پارلمان، از لحاظ افکار عمومی بین المللی، ثمرات مفیدی برای یلتسین و سرمایه داران روسیه که سعی در ارائه یک تصویر با ثبات از اوضاع سیاسی، اقتصادی- اجتماعی روسیه دارند، نخواهد داشت. از همین زاویه است که چرنومردین در روز ۱۱ مهرماه اعلام کرده است که دولت او حاضر است در جهت مصالحه روی موارد قانونگذاری عمده با دوما کار کند. یگور استروف، سخنگوی شورای فدراسیون روسیه که در حکم مجلس سنا می باشد گفت که «فقط یک دیوانه» ریسک انحلال دوما را می تواند بپذیرد. گنادی زیوگانیف، رهبر حزب کمونیست فدراسیون روسیه در روز ۱۶ مهرماه گفت که تنها راه جلوگیری از تشدید بحران سیاسی، تشکیل یک کمیسیون مصالحه مرکب از نمایندگان دوما، نمایندگان شورای فدراسیون و دولت می باشد. این کمیسیون می تواند روی مسایل عمده مطروحه در رابطه با بودجه ۱۹۹۸ مذاکره کند.

جنگ نفت

بوریس شاهمردوف، وزیر خارجه ترکمنستان طی بازدید خود از واشنگتن در روز ۱۱ مهرماه دوباره تأکید نمود که قبل از سقوط اتحاد شوروی، کشورهای حوضه دریای خزر تقسیم این دریاچه به محدوده های تحت حاکمیت ارضی این کشورها را به رسمیت شناخته بودند.

شاهمردوف تأکید کرد که مالکیت ترکمنستان بر چندین میدان نفتی دریای خزر که در حال حاضر توسط آذربایجان مورد استفاده قرار گرفته، نمی تواند مورد تردید و بحث قرار گیرد. او اظهار کرد که معاون وزیر خارجه آمریکا، استروپ تالبوت، به او گفته است که ایالات متحده آماده است در رابطه با این اختلاف بین باکو و عشق آباد میانجی گری کند.

وزیر خارجه آذربایجان حسن حسن اوف ضمن مردود شمردن ادعای ترکمنستان بر میدان های نفتی آذری- شیراگ و گیونشلی خاطر نشان ساخت که: «طرف ترکمن در صدد است پای پیاده به مسابقه با یک هواپیما برخیزد». بر طبق گزارش توران، آژانس خبری رسمی آذربایجان، هواپیماهای ترکمنستان مرتباً بر فراز میدان نفتی کپز که در مجاورت مرز بخش های دریای خزر که تحت حاکمیت آذربایجان و ترکمنستان است، پرواز می کنند.

یوگنی پریماکوف، وزیر خارجه روسیه که برای گفتگو با مقامات آذربایجانی به این کشور

مسافرت کرده بود در روز ۱۵ مهرماه در باکو به خبرنگاران رسانه های گروهی گفت که مذاکرات دوساعته او با حیدر علی اوف، رئیس جمهور آذربایجان «مفید و جالب» بوده است. پریماکوف دوباره تأکید کرد که پیمان دوستی- همکاری و کمک متقابل روسیه و ارمنستان که در اوایل شهریور ماه امسال امضاء شده است جهت ضد آذربایجانی ندارد و در حمایت از نیروهایی که مخالف یکپارچگی ارضی آذربایجان هستند بکار گرفته نخواهد شد. پریماکوف همچنین ارزیابی مثبت باکو از پیشنهاد های صلح قره باغ را که توسط کمیسیون ویژه ای از سازمان همکاری و امنیت اروپا ارائه شده بود، تهنیت گفت. علی اوف گفت که این پیشنهادات در بردارنده عقب نشینی نیروهای ارمنی ابتدا از ۶ ناحیه مجاور قره باغ و سپس از شهر شوشه در قره باغ و منطقه لاجین که بین قره باغ و مرز آذربایجان و ارمنستان قرار دارد، می باشد.

امپریالیسم یانکی در آمریکای لاتین

مسافرت یک هفته ای پرزیدنت کلینتون، رئیس جمهور آمریکا به کشورهای آمریکای جنوبی توجه تحلیل گران مطبوعاتی را به خود جلب کرده است. این مسافرت که اولین مسافرت کلینتون به این منطقه مهم استراتژیک محسوب می شود به عنوان قدمی عمده در جهت جامه عمل پوشاندن به رویای کلینتون برای ایجاد یک بلوک اقتصادی- تجاری سراسری قاره آمریکا که از آلاسکا تا آرژانتین را می پوشاند، قلمداد گردیده است. کلینتون پس از یک پرواز شبانه به ونزوئلا در روز ۲۱ مهرماه وارد برزیل شد. او سعی کرده است که با توسعه و گسترش قراردادهای تجاری با کشورهای منطقه قدم به قدم پیمان نفتا را توسعه دهد. کلینتون در ونزوئلا قراردادی را امضاء کرد که به مقامات پلیس و انتظامی آمریکایی اجازه می دهد در تعقیب افراد مظنون به قاچاق مواد مخدر به خاک این کشور وارد شوند. در برزیل رئیس جمهور آمریکا یک پیمان رسمی برای همکاری در مورد آموزش و تکنولوژی امضاء کرد.

کلینتون در مرحله بعدی سفر خود خواستار به رسمیت شناختن آرژانتین به عنوان یک «متحد غیر ناتوی» ایالات متحده است. حتی قبل از این سفر کلینتون، ایالات متحده شریک اصلی داد و ستد با همه کشورهای آمریکای جنوبی بوده است. ایجاد پیمان تجارت آزاد متضمن رشد کمی و کیفی این روابط تجاری خواهد بود. مردم آمریکای لاتین که برای دهه ها قربانی مظلوم دیکتاتورهای نظامی دست نشانده ایالات متحده بوده اند با سوء ظن به روابط با ایالات متحده می نگرند.

رئیس جمهور برزیل در رابطه با چنین برخورد دیرباورانه مردم است که می گوید: «ما آماده شروع مذاکرات بر سر یک پیمان آتی هستیم، ولی ما نگران هستیم که در رقابت با کمپانی های آمریکایی که دارای تکنولوژی های پیشرفته هستند، متضرر شویم».

۱۵ - مین کنگره حزب کمونیست چین

در راه ساختمان سوسیالیسم



کنگره پانزدهم حزب کمونیست چین در هفته سوم شهریور ماه جاری با حضور ۲۰۴۸ نماینده از سازمان های حزبی و ۶۰ نماینده ویژه و هیأت های نمایندگی احزاب کارگری و کمونیستی جهان در کاخ عظیم خلق ها در پکن برگزار شد. اهمیت مصوبات و تصمیمات کنگره حزب کمونیست را می توان از علاقه و توجهی که مطبوعات جهان به این اجلاس بزرگ ترین حزب سیاسی جهان با ۵۸ میلیون عضو که تعیین کننده سیاست های اقتصادی و اجتماعی پر جمعیت ترین کشور جهان با ۱/۲ میلیارد جمعیت می باشد، درک کرد. مطبوعات سرمایه داری که در ۱۰ سال اخیر دائماً «مرگ کمونیسم» را پیش بینی می کردند در انتظار این بودند که حزب کمونیست چین که تاریخ معاصر آن دوره های بغرنج و سؤوال برانگیز کم نداشته است، پایان کوشش برای ساختمان سوسیالیسم را به مثابه هدف استراتژیک زحمتکشان چین اعلام نماید. در نیمه دوم شهریور ماه کم نبودند تحلیل گران راست و «چپ» که از تریبون های پرشونده و بیننده خود با دقت بی سابقه ای به تحلیل کلمه به کلمه مصوبات کنگره پرداخته و سعی به ایجاد برداشت مشخصی از راه پیش گرفته از سوی کمونیست های چینی نمودند. در این کوشش جهت دار و کاملاً حساب شده، مطبوعات امپریالیستی به جای تکیه به هسته عمده و اساسی بحث های کنگره که متوجه برنامه ریزی برای ساختمان سوسیالیسم در چین بود، به تفسیر ناقصی از یک تصمیم جنجال برانگیز در رابطه با مالکیت واحدهای تولیدی که کارآیی و بهره وری آنها زیر علامت سؤوال است بیشترین پوشش را دادند. هدف کاملاً مشخص بود: که حقیقت اراده یک چهارم مردم جهان به ادامه راه مشکل و طولانی و بغرنج ساختمان سوسیالیسم را از افکار عمومی پنهان نگهدارند. مساله تایید و یا عدم تایید راه پیش گرفته از سوی حزب کمونیست چین برای پیش روی به سوی سوسیالیسم نیست، این به عهده طبقه کارگر و زحمتکشان چین است که برپایه حقایق جامعه خود راهی عملی برای تکامل پروسه ای که نیم قرن پیش شروع شده است، پیدا کند. برای زحمتکشان و ترقی خواهان جهان عمده مساله این است که کنگره حزب کمونیست چین یکبار دیگر تعهد خود به ادامه کوشش های خلق بزرگ چین برای ساختمان سوسیالیسم تحت رهبری حزب کمونیست چین را مورد تأکید قرار داد.

در اشاره به این امر کلیدی است که لیو جینگ کین، از مسؤولان عالی رتبه شعبه روابط بین المللی حزب کمونیست چین می گوید: «حتی مادلین آلبرایت، وزیر خارجه ایالات متحده هم مجبور به تأکید این حقیقت شد که سوسیالیسم از بین نرفته است».

کنگره ۱۵ حزب کمونیست چین با سخنرانی زیان زمین، دبیر کل کمیته مرکزی حزب افتتاح گردید. موضوع محوری این سخنرانی که استخوان بندی اساسی قطعنامه های اصلی کنگره را تشکیل می داد، در مورد مرحله ابتدایی سوسیالیسم و چگونگی ساختمان سوسیالیسم در این مرحله ابتدایی بود. او متذکر شد که این مرحله ابتدایی به معنی مرحله توسعه نیافته است. «سطح توسعه و تکامل نیروهای مولده در چین ایجاب

می کند که صنعتی شدن و سوسیالیستی کردن، جهت گیری بازار و مدرنیزه کردن اقتصاد جامه عمل بپوشد». مرحله ابتدایی سوسیالیسم یک دوره زمانی طولانی قابل ملاحظه ای را می پوشاند. زیان زمین متذکر شد که امر کلیدی در عملی کردن وظایف کنگره ۱۵ حزب و پیش بردن آرمان های آن به قرن ۲۱ تقویت و بهبود بخشیدن به رهبری حزب و ساختن و تکامل حزب است. او اهمیت تقویت کار ایدئولوژیک حزب، ساختمان تشکیلاتی و شیوه کار حزب را مورد تأکید قرار داد. در پایان سخنرانی خود، زیان زمین حزب را فراخواند که تئوری دن سیائو پین را مد نظر داشته باشد، صمیمانه بر دور کمیته مرکزی حلقه بزند و محکم و بدون سستی و با قلب و مغز واحد، متحداً، امر عظیم ساختمان سوسیالیسم را با مشخصات چینی در قرن بیست و یکم به جلو ببرد.

رهبر حزب کمونیست چین در رابطه با موضوع لزوم نگرش پراگماتیک و عملگرایانه در برخورد با معضلات ساختمان سوسیالیسم چینی گفت: «اگر ما واقعا می خواهیم که سوسیالیسم را در چین بسازیم، باید در همه عرصه ها فقط از اوضاع واقعی ای که هستیم یعنی مرحله ابتدایی سوسیالیسم شروع کنیم و نه از تمایلات ذهنی مان، نه از این و یا آن مدل خارجی، نه از تفسیرهای دگماتیک برخی ترها در کارهای مارکسیستی، نه از برخی نظرات اشتباه آمیز که بر مارکسیسم تحمیل شده است». او متذکر شد که مرحله ابتدایی سوسیالیسم یک مرحله تاریخی برای دستیابی به مدرنیزاسیون سوسیالیستی است که تکمیل آن می تواند یک قرن طول بکشد.

ادامه در ص ۵

کمک های مالی
رسیده

د راه کنگره ۴۰۰ مارک
کمک به حزب ۵۰ مارک

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.
1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
NAMEH MARDOM-NO:517
Central Organ of the Tudeh Party of Iran
<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

21 October 1997

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

- ۲۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام
IRAN e. V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse